محمد شعبانی

پرونده

پرونده حقوقی «جوان» پیرامون تکدی گری

عباس شریعتی | اسنیم

کار خیرخواهانه با کمک به مجرم؟!

کارشناسان در گفت‌وگو با «جوان» معتقدند آسیب اجتماعی تکدی‌گری یک پدیده چند وجهی است

همینطور که روی صندلی مترو نشسته‌ام و صفحات خبری را در اینستاگرام بالا و پایین می‌کنم تا جدیدترین خبرهای کرونایی را بخوانم، زمزمه‌هایی به گوشم می‌رسد. سرم را می‌چرخانم، خانمی به همراه فرزندش در حال گفت‌وگو با یکی از مسافران است. صدا نزدیک‌تر می‌شود و حالا آن مادر و فرزند دقیقاً جلوی من ایستاده‌اند و در حال گفت‌وگو با یک مسافر دیگر هستند! مسافر که ماسک روی صورت دارد، کمی خودش را جابه‌جا می‌کند و به تعبیر من پشتش را صاف می‌کند تا بتواند فاصله بیشتری از دو نفر مقابلش بگیرد.

مادر، در حال بیان شرح حال مختصری از فرزندش است. اینکه در این شرایط شیوع کرونا به دلیل نداشتن گوشی تلفن همراه و اینترنت نمی‌تواند دروسش را پیگیری کند و برخلاف همکلاسی‌هایش از درس عقب مانده است. درخواست کمک دارد تا بتواند یک گوشی کارکرده بخرد، اما مرد مسافر تأکید دارد که پول نقد همراهش نیست و نمی‌تواند کمکشان کند. خودم را بیشتر غرق گوشی همراهم می‌کنم تا سراغ من نیایند! ترس از ابتلا به کرونا به قضاوت ناچارم می‌کند؛ چراکه نه مادر و نه فرزند هیچکدام ماسک ندارند و جای تعجب است که چگونه توانسته‌اند وارد مترو شوند؟!

به ایستگاه که رسیدم با چند سؤال که ذهنم را مشغول کرده از مترو پیاده شدم. فارغ از شرایط عجیب این روزهای نظام آموزشی کشور، به واقع آیا آن افراد نیازمند کمک بودند یا به مانند سایر متکدیان و گدایان با سوءاستفاده از شرایط موجود و بهانه‌های به‌روز، قصد کسب درآمد داشتند؟ حتی اگر نیازمند باشند آیا چنین روشی برای رفع نیازشان صحیح است؟ آیا ادامه چنین رفتارهایی دامن زدن به مسئله تکدی‌گری نیست؟ مسافرانی که به این افراد کمک می‌کنند آیا اقدامی خیرخواهانه انجام می‌دهند یا پدیده گداپروری را ترویج می‌دهند؟

به بیرون از ایستگاه رسیدم و همچنان که منتظر تاکسی هستم، با جست‌وجویی به دنبال یافتن پاسخ‌هایم هستم.

قضایی

چرا متکدیان سامان‌دهی نمی‌شوند؟

مرور مطالب اخیر درباره وظایف برخی سازمان‌ها و نهادها ما را به سؤال فوق می‌رساند. در این رابطه اخیراً، سیدمالک حسینی، سرپرست سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران عنوان کرده است: اگر در سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی، تماسی در این زمینه داشته باشیم یا همکاران ما در گشت فوریت‌های اجتماعی با این مسئله مواجه شوند، فرد متکدی را به سامان‌سرا منتقل می‌کنند که در حال حاضر یک سامان‌سرا برای مردان در خاورشهر و یک سامان‌سرا در لویزان برای زنان داریم؛ خروج از سامان‌سرا با حکم قاضی انجام می‌گیرد و اگر شهرداری فردی را براساس شواهد و قرائن به‌عنوان متکدی به سامان‌سرا منتقل کند، تصمیم‌گیر نهایی درباره وضعیت آن با قاضی پرونده‌اش خواهد بود.

آمار

کودکان خیابانی متکدی نیستند

یکی از جنبه‌های مربوط به تکدی‌گری، فعالیت کودکان کار است. به گفته مسئولان کودکان کار فعالیت‌شان تکدی‌گری محسوب نمی‌شود و نوعی کار خیابانی است، این کودکان ممکن است با گل‌فروشی، تمیز کردن شیشه اتومبیل یا اسپند دود کردن کار خیابانی انجام دهند که مبحثش از تکدی‌گری جداست.

در مورد کودکان زباله‌گرد نیز همین مسئله صادق است. براساس آمارهای دستگاه‌های غیردولتی ۹۰درصد این افراد غیرایرانی هستند و عمدتاً به صورت کلونی زندگی می‌کنند و از کشورهای همسایه از جمله افغانستان و پاکستان به ایران آمده‌اند، بنابراین تنها ۱۰درصد آنها ایرانی هستند.

نظر کارشناس

تکدی‌گری یک آسیب اجتماعی است

به عقیده کارشناسان تکدی‌گری امروزه به یک آسیب اجتماعی که خود معلول آسیب‌های دیگر است، تبدیل شده است. برداشت مردم از کمک به متکدیان اقدام خیرخواهانه است، اما روش اشتباه است، چون این قبیل اقدام‌ها به افزایش، سوءاستفاده و در واقع بدعادت شدن متکدیان منجر می‌شود. از دیگر سوء نگاه مردم به قشر نیازمند واقعی جامعه را نیز تغییر می‌دهند. جامعه‌شناسان براین باورند که تکدی‌گری به‌ویژه در زنان و دختران معضلی است که می‌تواند پوششی برای رخداد آسیب‌های اجتماعی مختلف مانند واسطه‌گری، تن‌فروشی، فروش و مصرف موادمخدر باشد. علاوه بر این، کمک مستقیم به متکدیان آسیب‌های اجتماعی را افزایش و گسترش می‌دهد و وجود این افراد چهره شهر را زشت کرده و کمک مردم نیز سبب می‌شود تا متکدیان پس از رفع نیاز مالی به کارهای دیگر مانند توزیع موادمخدر اقدام کنند.

هشدار درباره مافیای تکدی‌گری

تکدی‌گری یک روی دیگر هم دارد و آن مسئله مافیاست؛ توجه به این مسئله که تکدی‌گری شغل و راه کسب درآمد برخی از افراد شده، ضروری است. دراین‌باره سابقاً ادعاهایی از سوی استاندار وقت تهران، انوشیروان محسنی بندپی صورت گرفته است. به گفته وی متکدیان پایتخت ماهانه درآمدی بین ۲ تا ۵ میلیون تومان دارند؛ صحت چنین مدعایی را می‌توان با اظهارات مدیرکل اجتماعی و فرهنگی استان تهران نیز تأیید کرد.

شهریورماه سال گذشته، فرزانه مروستی، مدیرکل اجتماعی و فرهنگی استان تهران با اشاره به گردش مالی بسیار بالای برخی از متکدیان اظهار داشت: هرگاه پدیده‌هایی از این دست در جامعه افزایش می‌یابد، باید بدانیم اقتصاد پررونقی در آن وجود دارد، لذا افزایش کودکان خیابانی و متکدیان بزرگسال ما را باید نسبت به سوداگران این پدیده هوشیار سازد.

انوشیروان محسنی بندپی با تأکید بر اینکه برخی مخالف وجود باند و مافیا در این حوزه هستند، افزود: حتماً گروه‌های سازماندهی شده وجود دارند که از کودکان و زنان برای تکدی‌گری سرچهارراه‌ها استفاده می‌کنند. قطعاً اعتقاد داریم این مدل کار کردن بچه‌ها سازماندهی شده است، به شکلی که یک بزرگسال مدیریت و سازماندهی کودکان را انجام می‌دهد و حتی مسیر و جای آنها را مشخص می‌کند.

به عقیده مروستی در کشور قوانین خوبی در این حوزه وجود دارد، هرچند که گاهی ضعف اجرا مانع دستیابی به هدف می‌شود، غیر از این لازم است گاهی قوانین موجود هم براساس شرایط جامعه به روز گردد؛ موضوعات اجتماعی سیال هستند، به‌گونه‌ای که شکل و نوع آن هر روز با روز قبل متفاوت است، لذا آیین‌نامه‌ها هم می‌باید مدام اصلاح و متناسب وضعیت جامعه باشد.

نگاه جرم‌انگارانه درمان پدیده تکدی‌گری نیست!

بخش عمده‌ای از کارشناسان معتقدند اینکه امروز پدیده تکدی‌گری با وجود جرم بودن و در نظر گرفتن مجازات‌هایی نه‌تنها از جامعه رخت نبسته است، بلکه تبدیل به یک آسیب جدی و چند وجهی شده، نتیجه نگاه صرفاً جرم‌انگارانه است!

دکتر نادر صادقیان، پژوهشگر فرهنگی – اجتماعی و جامع‌شناس دراین‌باره به «جوان» گفت: پدیده تکدی‌گری یک پدیده چندوجهی است که نمی‌توان تمامی ابعاد آن را با اقدام‌های قضایی حل‌وفصل کرد. به عبارت دیگر نگاه قانونگذار در این پدیده صرفاً به معلول است. صادقیان با تأکید بر اینکه در این مسئله باید پیش از پرداختن به معلول، علل بروز تکدی‌گری را بررسی کرد، افزود: تا علل وقوع یک مسئله به درستی تبیین نشود، نمی‌توان تجویز مناسبی در نظر گرفت. نتیجه این می‌شود که در پدیده تکدی‌گری با وجود مجازات‌هایی، اما همچنان ادامه دارد. وی با بیان اینکه نباید حل مسئله تکدی‌گری را به اقدام‌های قضایی تقلیل داد، اظهار کرد: تا زمانی که ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به‌صورت زنجیروار وظایف خودشان را به درستی انجام ندهند، پدیده‌هایی چون تکدی‌گری خروجی آنها خواهد بود.

صادقیان با ذکر مثالی ادامه داد: اگر راه آب ورودی به یک مرداب را ببندیم، مرداب محل تشکیل کرم‌هایی می‌شود. در مواجهه با این مشکل هم می‌توان کرم‌کشی کرد (صرفاً با اقدام قضایی) هم می‌توان مرداب را خشک کرد تا محل تشکیل و حیات کرم‌ها از بین برود. در ادامه با سلسله اقدام‌هایی چون شخم زدن، آفت‌زدایی، سرمایه‌گذاری و... می‌توان آن مرداب را تبدیل به گلستان کرد.

به عقیده این پژوهشگر فرهنگی – اجتماعی، تکدی‌گری یک طنز تلخ است؛ چراکه متأسفانه در راستای ساماندهی متکدیان و اشتغال آنها کار به خصوصی صورت نمی‌گیرد و در عوض تنها اهرم فشار برای ساماندهی این افراد، اقدام‌های قضایی است. بنابراین تا زمانی که سیکل معیوب باشد، نمی‌توان انتظار داشت که شاهد این پدیده نباشیم.

نگاه قانونگذار به تکدی‌گری

متکدیان بنا به تعریف قانون مرتکب عملی مجرمانه می‌شوند. قانونگذار در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی درباره تکدی‌گری به وضوح اعلام کرده است: «هر شخصی که تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش کند، به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود، علاوه بر مجازات مذکور همه اموالی که از طریق تکدی‌گری به دست آورده است، مصادره خواهد شد».

همچنین، ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی تصریح کرده است: «هر کس طفل صغیر یا غیررشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد تمامی اموالی که از طریق به دست‌آورده است، محکوم خواهد شد.»

علاوه بر این، در ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی آمده است که شهادت اشخاص ولگرد و کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند، پذیرفته نمی‌شود. متکدیانی که به سبب تکدی‌گری و کلاشی دستگیر و محکوم شوند، نیز از داشتن گذرنامه محروم می‌شوند.

از دیگر سوء براساس بند ۵ از ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها «جلوگیری از گدایی و واداشتن گدایان به کار و توسعه آموزش عمومی و...» جزو وظایف و تکالیف آنها برشمرده شده و باید در این خصوص تلاش کرده و اقداماتی را صورت دهند.

با این حال، طبق قانون در بحث ساماندهی متکدیان، مدیریت شهری و شهرداری فقط در مورد جلوگیری از تکدی‌گری و هدایت آنها به سوی مشاغل آبرومند باید فعالیت کنند. طبق مصوبه سال ۱۳۷۸ شورای‌عالی اداری کشور، ۱۲ سازمان و ارگان دولتی مسئول جمع‌آوری و ساماندهی متکدیان هستند و باید در این مورد اقدام کنند، اما سازمانی که فعلاً مستقیماً دخالت دارد، مدیریت شهری شهرداری با مشارکت نیروی انتظامی است.

از آمار تا روش‌های شناسایی متکدیان

سرپرست سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران درباره آمار متکدیان تصریح می‌کند: آمار دقیقی در این زمینه نداریم. در سال ۹۸، ۳۶۸ زن به عنوان متکدی به سامان‌سرای لویزان منتقل شده‌اند که میانگین سنی آنها ۳۱ تا ۴۰ سال بود؛ همچنین ۵۶۰ مرد نیز به دلیل تکدی‌گری با میانگین سن ۶۰ تا ۶۵ سال به سامان‌سرای خاورشهر انتقال یافتند. البته شهرداری براساس قانون اجازه جذب و انتقال متکدیان کمتر از ۱۸ سال را به سامان‌سراها ندارد! وی درباره ایجاد بانک اطلاعاتی متکدیان نیز گفت: می‌توانیم با اسکن قرنیه چشم، متکدیان را که پیش از این به سامان‌سرا منتقل شده‌اند، شناسایی کنیم. این موضوع نیاز به دستگاه‌های خاص دارد که بودجه قابل‌ملاحظه‌ای می‌طلبد. البته اسکن قرنیه چشم در سامان‌سراها امسال کلید می‌خورد و با وجود محدودیت‌های مالی تلاش داریم این موضوع را محقق کنیم و جزو برنامه‌های ماست. علاوه بر این حسینی به تجربه موفق شهر تبریز در مواجهه با پدیده تکدی‌گری اشاره و تصریح کرد: در تبریز اقدام خوبی که انجام گرفته این است که اگر متکدی در سطح شهر مشاهده شود، توسط مردم و خیران جذب شده و با تأمین نیازهای روزانه فرد متکدی یا ایجاد شغل برای آن به فرد آسیب‌دیده کمک می‌کنند و اگر مهاجر باشد آن را به سمت شهر و دیارش راهی کرده‌اند.

نقش مردم در پیشگیری از تکدی‌گری

اگرچه تکدی‌گری طبق تعریف قانونگذار یک عمل مجرمانه است، اما امروزه مردم با باور اقدام خیرخواهانه اقدام به پاک کردن صورت مسئله می‌کنند، درحالی که حل ریشه‌ای این پدیده و توجه مردم به علل بروز تکدی‌گری باید اولویت باشد. همچنین این مسئله که کمک به متکدیان تضاد آشکار با قانون است، باید برای عموم جامعه تبیین شود. متأسفانه نگاه یکجانبه قانونگذار به مسئله تکدی‌گری سبب شده با وجود در نظر گرفتن جرائم و مجازات‌هایی، اما این پدیده همچنان به حیات خود ادامه دهد.

همین نگاه یک‌سویه یکی از علل محو نشدن این آسیب اجتماعی است؛ با این اوصاف، مردم حتی در صورت ناآگاهی از جرم تکدی‌گری و پیامدهای کمک به متکدیان می‌توانند با تغییر اقدام‌های خود به حل این معادله کمک کنند. همانطور که پیشتر عنوان شد، شهر تبریز با تغییر شکل رفتار مردم با متکدیان توانسته نمره قابل‌قبولی در این آزمون کسب کند. این شهر با سابقه بی‌نظیر در ایجاد خیریه‌هایی با قدمتی بیش از ۱۰۰ سال و با رویکرد مقابله با آسیب‌های اجتماعی، تکدی‌گری را به خوبی مدیریت کرده است. مسئله‌ای که اتفاقاً چند روز پیش مورد تأکید رئیس قوه‌قضائیه واقع شد. به گفته حجت‌الاسلام رئیسی، کسانی که به هر دلیل دچار آسیب اجتماعی شده‌اند، باید اصلاح شده و به جامعه بازگردند که نهادهای مردمی به‌خوبی می‌توانند قوه‌قضائیه را در این زمینه یاری دهند. در این راستا گروه‌های جهادی و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند.

دانستنی‌ها

قصد خرید خانه دارید؟!

قراردادی که تحت‌عنوان بیعنامه در بنگاه‌های معاملات املاک یا بیرون از آنجا تنظیم می‌شود، سندی عادی است و به همین دلیل طرفین معامله باید نهایت دقت را در تنظیم آن داشته باشند تا بعدها دچار مشکل نشوند. گرچه بیعنامه‌هایی که به‌صورت چاپی و دارای آرم اتحادیه در مشاوران املاک تنظیم می‌شود و با هدف پیشگیری از وقوع معاملات مکرر در قالب اخذ کدرهگیری و برچسب هولوگرام صورت می‌پذیرد، لکن این امر دلالت بر رسمی بودن آنها ندارد. بنابراین تا زمانی که منتهی به صدور سند رسمی در دفترخانه نشود، خریدار نمی‌تواند از امتیازات اسناد رسمی بهره‌مند شود. در مرحله ابتدایی هنگام تنظیم قرارداد در دفاتر مشاوران املاک باید به نکاتی که ذیلاً اشاره می‌شود، توجه داشت.

۱ احراز سمت فروشنده و اختیارات نماینده وی

به‌عنوان اولین نکته، بهترین حالت در تنظیم قرارداد ملکی این است که خریدار و فروشنده به‌عنوان اصیل طرفین عقد قرار گیرند و در واقع بدون واسطه اقدام به امضای آن نمایند.

اما اگر کسی که بیعنامه را امضا می‌کند، خود مالک نیست، بلکه وکیل یا ولی و یا قیم مالک است، خریدار باید دلایل احراز سمت آنها را بررسی کند و مشخص شود، حدود اختیارات وکیل در وکالتنامه شامل حق فروش و گرفتن بهای معامله هم می‌شود. همچنین اگر امضاءکننده، ولی مالک است، خریدار باید مطمئن شود که هنگام معامله توسط ولی، کودک بالغ نشده است. در جایی نیز که امضاءکننده قیم مالک است، باید روشن شود که آیا قیم به‌تنهایی حق فروش مال وی را دارد یا با دخالت بخش سرپرستی دادستانی چنین حقی برای او در نظر گرفته شده است.

مضافاً اینکه در صورت تعدد مالکان، حتماً باید ذیل بیعنامه را همه آنها به نسبت سهم خود امضاء کنند، مگر اینکه یکی یا برخی از آنها از جانب سایران بنا به روش‌های اشاره شده، دارای اختیارات قانونی باشد.

به‌علاوه، خریدار باید اطمینان حاصل کند که فروشنده ممنوع‌المعامله نباشد و نیز در صورت کهولت سن، بیماری یا حرکات غیرعادی فروشنده، خریدار باید از عدم حجر وی مطمئن و ترجیحاً شهود معامله را از میان وراث وی انتخاب کند.

در نهایت اینکه، اگر مورد معامله از طریق ارث به فروشنده رسیده باشد، خریدار باید گواهی انحصار وراثت را مشاهده و نیز هویت وراث را احراز کند و فتوکپی برابر اصل آن را نیز از فروشنده بگیرد و تسویه‌حساب مالیات بر ارث را نیز ملاحظه کند.

۲ درج مشخصات کامل مورد معامله

خریدار باید مشخصات مالی که قصد خرید آن را دارد، با آنچه در سند قید شده است، مطابقت دهد و درج وصف کامل توابع، منضمات، ملحقات و مشاعات آن مانند انشعاب آب، برق، گاز، تلفن، پارکینگ، انباری و... که در سند توصیف شده، نیز بسیار ضروری است. بنگاه‌ها نیز باید به‌طور کلی مشخصات ملک را در بیعنامه ذکر کنند، به‌خصوص زمانی که این مشخصات مربوط به عیب و نقص مورد معامله است.

همچنین باید تصریح شود که ملک مذکور در تصرف مستأجر نباشد و اگر چنین بود، لازم است ترتیب، مهلت و ضمانت تخلیه مستأجر قید شود. به‌علاوه، باید روشن شود که مال در وثیقه یا رهن یا در توقیف نباشد. به‌خصوص در معاملات بزرگ اخذ تأمین دلیل از طریق شوراهای حل اختلاف مبنی بر استعلام گردش ثبتی بسیار کارگشا خواهد بود.

۳ ادای متقابل تعهدات

لازم است هنگام تنظیم بیعنامه اولیه، انجام تعهدات طرفین به‌صورت متقابل تنظیم شود. به‌طور مثال پرداخت بخشی از بهای ملک همزمان با تنظیم بیعنامه، پرداخت الباقی آن نیز در قبال تحویل مورد معامله و تنظیم سند رسمی انتقال تقسیط گردد و تا زمانی که مورد معامله تحویل نشده یا سند رسمی انتقال نیافته، خریدار از پرداخت کل قیمت مورد معامله خودداری کند. فروشنده نیز باید مورد معامله را قبل از دریافت تمام بهای معامله به خریدار تحویل ندهد. بهتر است در قرارداد تصریح شود در صورت عدم‌پرداخت مابقی ثمن در موعد مقرر از طرف خریدار، یا عدم تحویل یا انتقال رسمی مورد معامله در تاریخ مقرر توسط فروشنده، هر یک از طرفین که تعهد به‌نفع اوست حق فسخ معامله را دارا بوده تا از طریق ارسال اظهارنامه اعلام و پس از تأیید و تنفیذ توسط دادگاه، قادر شود مورد معامله را به دیگری منتقل، یا مبالغ پرداختی را باز پس گیرد. ضمناً لازم است، فروشنده جهت دریافت قیمت معامله اطمینان حاصل کند و به شرح بند بعدی، شروطی در قرارداد گنجانده شود که در صورت عدم پرداخت قیمت یا ناتوانی از پرداخت، برای فروشنده حق بر هم زدن معامله وجود داشته باشد.